

## خلاصه مدیریتی

# جهان پسا کرونا: راهبرد فردگرایی یا جمع‌گرایی و پارادوکس ملی‌گرایی یا جهانی سازی

رحیم بایزیدی

### ۱. مقدمه

با گذشت زمانی کوتاه از شیوع بیماری کووید-۱۹، این مسئله همه عرصه‌های زیست فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. شیوع سریع کرونا ضمن درنوردیدن ساحت‌های اجتماعی با تأثیرگذاری سیاسی و اقتصادی، پرسش‌های مهمی را در حوزه‌های اندیشه‌ای و اخلاق اجتماعی برانگیخته است. فضای بحرانی عصر حاضر، بی‌سابقه نیست؛ اما جوامع مدرن، به خصوص نسل جوان کمتر چنین وضعیتی را درک کرده‌اند.

بحران کرونا پرسش‌هایی اساسی را در زمینه‌های نظام اجتماعی، فرهنگی و نظام مدیریتی در داخل کشورها و در عرصه بین‌المللی فراروی جوامع گذاشته است که عبارت‌اند از:

- الگوهای مختلف مهار بیماری کرونا تاکنون چه بوده و دولت‌ها چه نقشی در پیاده‌سازی هر یک از الگوها ایفا کرده‌اند؟
- جایگاه همبستگی اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی در هر یک از الگوهای مهار این بیماری چگونه قابل بررسی است؟
- حفظ جان شهروندان در اولویت است یا پایبندی به اصول حقوق فردی شهروندی؟
- در بحران‌های جمعی، آیا فرد بر جامعه اولویت دارد یا جامعه بر فرد؟
- نظام اجتماعی حاکم بر کشورها چه تأثیری بر بحران دارد؟
- در بحران‌های این‌چنینی آیا باید مینا را بر خرد جامعه ملی قرار داد یا خرد جامعه جهانی؟

پاسخ به این پرسش‌ها، دلالت‌های سیاسی بسیاری را پیش روی تصمیم‌سازان قرار داده است و می‌تواند بر مسیر آینده هر کشوری در تقابل با بحران‌های جمعی تأثیرگذار باشد.

### ۲. پارادوکس فردگرایی و جمع‌گرایی در سیاست داخلی

هر کشوری نمونه خاصی از بحران کرونا و مدیریت آن را تجربه کرده است؛ با وجود این در پاسخ به این بحران، به‌طور عمده از دو الگوی مدیریتی غالب در کشورها استفاده شده که عبارت‌اند از:

#### ۱-۲. الگوی مدیریت شرقی یا اجماع پکن

این الگو در سطح اجتماعی متأثر از بنیادهای فرهنگ شرقی همچون غلبه «کنفوسیوس» در چین، «بودیسم» در هند و «اسلام» در کشورهای اسلامی است که سطح برخی ارزش‌های اجتماعی همچون همبستگی جمعی را افزایش داده است. این الگو با ترکیب اقتصاد مدیریت شده بازار و دولت جمع‌گرا توانسته است تا حدودی از آسیب‌های ناشی از بحران بکاهد. چین، روسیه، ایران، ترکیه، هند و برخی دیگر از کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین کم‌وبیش این شیوه مدیریتی را اجرا کرده‌اند.

همان‌طور که نمی‌توان موفقیت الگوی مدیریت جمع‌گرای چین در اجرای یکی از سخت‌ترین و جامع‌ترین سیاست‌های کنترل بیماری در جهان را

بحران‌های جمعی، تدابیر جمعی را می‌طلبند که الگوهای فردگرایانه همچون لیبرالیسم، به لحاظ ساختاری از اجرای این تدابیر ناتوان هستند. این وضعیت باعث شده است تا در سطحی کلان‌تراز ساختارهای داخلی، پارادوکس دیگری بین ملی‌گرایی و جهانی‌سازی بروز کند.

نادیده گرفت، نمی‌توان از برخی آسیب‌های ناشی از ورود الگوی سرمایه‌داری و لیبرالیسم گذشت. الگوی مدیریتی چین پس از مواجهه با بحران کرونا، با اتکا بر اختیارات گسترده دولتی و بدون توجه به محدودیت‌هایی که نظام‌های فردگرای لیبرال در مدیریت سیاسی اعمال می‌کنند، توانست از گسترش فراگیر بحران کرونا در کشوری با یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت (دو برابر جمعیت اروپا) جلوگیری کند. موفقیت نسبی روسیه و ترکیه را نیز می‌توان با توجه به مدیریت جمع‌گرای این دو کشور تحلیل کرد. ژاپن و کره جنوبی نیز گرچه در گروه نظام‌های اقتصادی «بازار» دسته‌بندی می‌شوند، از نظر اجتماعی و سیاسی، هنوز سطوح حداقلی از ارزش‌های اجتماعی و سازوکارهای مدیریت جمع‌گرا را حفظ کرده‌اند که نقش مؤثری در موفقیت نسبی این دو کشور در کنترل بحران داشته است.

#### ۲-۲. الگوی مدیریت غربی یا اجماع واشنگتن

این الگو در سطح اجتماعی مبتنی بر فردمحوری و در سطح اقتصادی و سیاسی نیز ترکیبی از اقتصاد بازار و لیبرالیسم است. آمریکا و دولت‌های اروپایی پیروان این سنت محسوب می‌شوند. غلبه فردمحوری، بازارمحور بودن و لیبرالیسم، منجر به کاهش همبستگی اجتماعی و افول ارزش‌های جمع‌گرایانه تا سطح منافع بازار شده است و به شکل قابل توجهی از توان آن‌ها در مدیریت بحران کرونا کاسته است؛ بحرانی که ماهیت جمعی دارد و بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریت جمع‌گرایانه است. چنین وضعیتی آسیب‌ها و پیامدهای بحران کرونا را چه در ابعاد زیستی و چه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، هم برای این کشورها و هم برای کشورهای دیگر تشدید کرده است.

تلفات بحران کرونا در آمریکا، ایتالیا، فرانسه و